

گزارش خبری

حمایت مشروط و خصوصی سازی نیم‌بد در صنعت خودرو

روایت یک تجربه تکراری

علی بیرولی: در تصمیم اخیر وزارت صمت برای حمایت مشروط از ایران‌خودرو (چندین ماه است به بخش خصوصی واگذار شده است) بیشتر از هر موضوعی این پرسش مطرح می‌شود که آیا خصوصی‌سازی در ایران واقعا رخ داده یا همچنان «کلید این خانه» دست دولت باقی مانده است؟ «یا باید طبق نسخه دولت رفتار کنی و حمایت بگیري یا کنار گذاشته می‌شوی و از دایره حمایتی بیرون می‌مانی». نسخه‌ای است که فقط مختص به این دولت نبوده، بلکه در دولت‌های گذشته نیز تکرار شده است. وقتی حمایت فقط در صورت پیروی از نسخه دولت معنا پیدا می‌کند، سهم واقعی بخش خصوصی چیست؟ آیا این مدل خصوصی‌سازی است یا تنها تغییر برچسب روی همان قطار که ریل آن به مقصد نمی‌رسد؟ بازار خودروی ایران سال‌هاست در فضایی مه‌آلود از تصمیمات ناگهانی، حمایت‌های مشروط و وعده‌های پیاپی دولتی نفس می‌کشد. هرچند واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش خصوصی از سال گذشته روی کاغذ اجرا شد، اما صورت‌جلسه تازه وزارت صمت (مورخ ۲۹ تیرماه)، نشان داد که هنوز هسته سیاست‌گذاری و کنترل در دستان دولت باقی مانده؛ با این تفاوت که این بار برچسب «خصوصی‌سازی» هم به داستان افزوده شده است. در متن تصمیم‌نامه اخیر وزارت صمت آمده: «درباره درخواست شرکت ایران‌خودرو برای حل مشکلاتش از جمله تأمین نقدینگی... در صورت همراهی با سیاست‌های وزارتخانه حمایت لازم انجام می‌شود». این دقیقاً همان چرخه‌ای است که بنا بر تشریح اتاق بازرگانی تهران در گزارش ویژه تابستان ۱۴۰۴، موجب شده خصوصی‌سازی عملا به معنی برچسب‌گذاری و نه تغییر فرهنگ مدیریتی باشد.

پیامد تنظیم‌گری تازه: خصوصی‌سازی یا برچسب‌گذاری؟

ناگاهی به تصمیمات دولت‌ها در دهه گذشته نشان می‌دهد سیاست‌گذاران مداخله را راهی برای کنترل قیمت و پیشگیری از بحران اجتماعی تلقی می‌کنند. به گفته امیرحسین کاکایی، استاد دانشکده خودروی دانشگاه علم و صنعت، «بعد از تجربه جهش قیمتی سال ۹۷، دولت‌ها دیگر حاضر نیستند عنوان قیمت را راها کنند». مرکز پژوهش‌های مجلس هم در بند دوم گزارش بهار ۱۴۰۷ یادآور شده که این دخالت‌ها، اعتماد بازار و انگیزه سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد: «مقررات دستوری اگر چه ظاهری حمایتی دارد اما در عمل، ثبات و کارایی را تهدید می‌کند». ارزیابی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد صنعت خودرو در طول بیش از ۶۰ سال از عمر خود همچنان به علت سیاست‌گذاری‌های نادرست دولتی عملا فضای رقابتی را از بین برده و به کاهش تولید و فروش خودرو انجامیده است. به بیان دیگر، خودروسازی ایران تاوان انحصار در چنبره «دولتی‌بودن» خود را می‌دهد.

در یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، ۲۹ نهاد در تنظیم‌گری صنعت خودرو دخالت داشته‌اند؛ به عبارتی تاریخ سیاست‌گذاری در صنعت خودروی ایران، پر از فراز و نشیب بوده است. اما یک وجه مشترک در تمام دولت‌ها به چشم می‌خورد: ترس از آزادسازی کامل و رهاکردن سسکان بازار به دست بخش خصوصی. مرکز پژوهش‌های مجلس بارها تأکید کرده که «خصوصی‌سازی واقعی صرفا زمانی معنا دارد که سیاست‌گذار تنها به نظارت رضایت دهن نه دخالت» (گزارش شماره ۳۲۵، اردیبهشت ۱۴۰۲)، اما در واقعیت، مدیران ایران‌خودرو باید مثل گذشته چشم به دهان مدیران دولتی بدوزند تا تکلیف سیاست‌های تولید، قیمت و حتی ورود محصول جدید را بدانند. نکته قابل توجه اینست مدیران ایران‌خودرو هم در گزارش مجمع عمومی شرکت، با تأکید بر دستاوردهای مثال‌زدنی ازجمله خروج از ماده ۱۴۱، رشد تولید، کاهش تعهدات معوق و تولید خودروهای هیبریدی داخلی، سعی کردند سیگنال کم‌نظیری به بازار و دولت مخابره کنند. بااین حال، در لابه‌های پنهان‌تر، داده‌های بورس نشان می‌دهد با هر تغییر سیاست دستوری، سهام ایران‌خودرو با شوک مواجه می‌شود و بسیاری از سهامداران، سود و زیان خود را تابعی از تصمیمات ناگهانی بیرون از شرکت می‌بینند.

روایت داده‌ها: رشد بهرهوری با بخش خصوصی در میانه رکود

ایران خودرو سال ۱۴۰۴ را با حرکتی جسورانه آغاز کرد، آن‌هم در فروردین‌ماهی که اصلا مشهور به رکوردشکنی نیست. رشد ۱۶درصدی تولید، آن‌هم با وجود تعطیلات پرتعداد، کاملا از هدایت نقدینگی‌ها به مسیر تولید نشئت می‌گرفت، نه صرفا اصلاحات عمیق ساختاری.

نیمی از ۶۰ هزار خودروی تولیدی فروردین، سهم ایران‌خود بود؛ یعنی ۲۹ هزار دستگاه و این در حالی بود که رقبای این شرکت –ازجمله سایپا، مدیران خودرو، فردا و آراین‌پارس موتور– در همان بازه زمانی افت تولید ۲۱ تا ۵۹درصدی را ثبت کردند. شکاف بزرگ میان دو غول ایران خودرو و سایپا از کمتر از ۳۰۰ دستگاه در سال گذشته به بیش از ۱۱ هزار دستگاه در بهار امسال رسیده؛ عددی که تمام معادلات گذشته بازار خودرو را دگرگون کرد. رمز این پیششارتی، نه صرفا واگذاری سهام ظاهری، بلکه آزادسازی نسبی مدیریت و کاهش مداخله دولت در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری زنجیره تولید بود. نتیجه کاملا قابل لمس شد: حتی با اینکه کل تیراژ تولید کشور در خرده‌امه امسال به دلیل تعطیلی‌ها و افت شاخص‌ها تا ۴۰ درصد پایین آمد و جمع سه‌ماهه نیز نسبت به پارسال ۱۸ درصد افت داشت، ایران خودرو همچنان با تولید ۳۵ هزار دستگاه در خرداد، بیش از مجموع اغلب خودروسازان دولتی و خصوصی دیگر محصول وارد بازار کرد. این یعنی اگر سایه سیاست‌گذاری دستوری و قیمت‌سازی دولتی از سر صنعت خودرو برداشته شود و مدیریت به شکل حقیقی خصوصی‌سازی شود، موتور تولید و رقابت حتی در سخت‌ترین سال‌ها نیز از حرکت نمی‌ایستد. تولید خودروی خرده‌امه، به واسطه تعطیلات و سیاست‌های جدید، در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل تقریبا ۴۰ درصد سقوط داشت؛ اما ایران خودرو سهمش را همچنان بزرگ‌تر کرد.

در تمام سه‌ماهه نخست سال، وقتی سهامای علق نشست و خصوصی‌های

اسمی یکی پس از دیگری کاهش رکورد زدند، ایران‌خودرو رکورد خود را حتی به ۳۵ هزار دستگاه تولید در یک ماه رساند. این یعنی قدرت رقابت و دگرگونی حتی با خصوصی‌سازی نیمه‌کاره هم ممکن است، اگر دولت انگیزه‌های انحصاری و

کنترل‌رانیانه را کم کند و بازار را به رقابت بسپارد.

پیامد تنظیم‌گری تازه: خصوصی‌سازی صوری یا واقعی؟

همه شواهد، طبق تحلیل اتاق بازرگانی و مرکز پژوهش‌های مجلس و روایت کارشناسان مستقل (داده‌ها و نقل‌قول‌های این گزارش)، به یک نتیجه می‌رسد: بدون اصلاح ساختار حکمرانی و اعطای اختیار واقعی به بخش خصوصی، نه از رکود خودرو خارج می‌شویم و نه امید به رضایت مشتری باقی می‌ماند. به قول کاکایی، کارشناس مسائل خودرو، «اگر قرار باشد هر روز سکان سیاست‌گذاری عوض شود، بازار خودرو فقط در دور باطل وعده و مُسکن خواهد چرخید».

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در گزارشی به تاریخ اردیبهشت ۱۴۰۲ تأکید کرده است: «خصوصی‌سازی واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست‌گذار به نظارت اکتفا کند و از دخالت بپرهیزد». بااین حال، در عمل شرایط همچنان به‌گونه‌ای است که مدل مدیریت دولتی حتی پس از خصوصی‌سازی ظاهری ادامه یافته است.

سیاست اخیر وزارت صمت از یک سو بر کنترل سقف قیمت اصرار دارد و از سوی دیگر بحث رقابت و شفافیت را مطرح می‌کند. این تناقض، سال‌هاست صنعت خودرو را به پیش نمی‌برد. بازار خودرو مانند هر بازار دیگری، نیاز به فضای رقابتی، پیش‌بینی‌پذیر و کم‌دخالت دارد تا تولیدکننده و مصرف‌کننده بتوانند نفس بکشند.

مهماق سلیمان بیگی: شاخص‌های مختلف صنعتی از وضعیت هشداردهنده در صنایع کشور حکایت دارند. شاخص مدیران خرید صنعت در خرداد امسال وضعیتی به‌مراتب شکننده‌تر از زمان شیوع کرونا دارد و رشد تولید صنعتی در بهار امسال منفی شده است. حالا بنگاه‌های اقتصادی کشور مطابق با آمارهای رسمی، نه‌تنها وضعیت ناپایدار مالی را تجربه می‌کنند و گرفتار کمبود نقدینگی و تورم هستند، بلکه قطع آب و برق و دیگر مشکلات زیرساختی، همچنین تحریم و نااطمینانی درباره تداوم آتش‌بس شرایط صنایع را به وخامت کشانده است؛ به‌طوری‌که برخی اقتصاددانان در گفت‌وگو با «شرق» معتقدند صنایع کشور یکی از سخت‌ترین دهه‌های قرن اخیر را پشت سر می‌گذارند.

صنایع در شرایطی مشابه سال‌های کرونا

به‌تازگی آمار شاخص مدیران خرید برای خرده‌امه‌ا، با کمی تأخیر، منتشر شده که مطابق آن شاخص مدیران خرید کل اقتصاد در خرده‌امه سال ۱۴۰۴ با کسب نمره ۴۲.۹، کمترین مقدار خود از اردیبهشت ۱۳۹۹ را ثبت کرده است؛ یعنی آخرین باری که اقتصاد ایران تا این اندازه درگیر رکود شده بود، ماه‌های ابتدایی ورود کرونا به کشور بود. همچنین، شاخص مدیران بخش صنعت نیز با کسب نمره ۴۲.۱، کف تاریخی خود را ثبت کرده است. این هم یعنی «شامخ» برای بخش صنعت در این ماه، کمترین مقدار خود را از روزی که انتشار این آمار آغاز شد –مهرماه ۱۳۷۷– ثبت کرده است.

برای درک ماجرا خوب است بدانید که شامخ بخش صنعت در خرده‌امه سال ۱۳۹۹ که یادآور اوج‌گیری همه‌گیری کرونا در ایران و جهان بود، ۵۶.۸ گزارش شده است. رقمی که جدا از آنکه بالاتر از ۵۰ یعنی محدوده خنثی ایستاده بود، به‌مراتب از آمار خرده‌امه سال جاری که در آن نمره تعدیل‌فصلی شده بخش صنعت ۴۲.۱ و تعدیل‌فصلی نشده آن ۳۶.۵ است، مثبت‌تر به نظر می‌رسد. این یعنی فعالان بخش صنعت کشور روزهایی به‌مراتب سخت‌تر از دوران کرونا را می‌گذرانند.

۵ مؤلفه هشداردهنده

نرخ PMI یا همان شامخ پنج مؤلفه اصلی دارد که در خرده‌امه سال جاری در اقتصاد کشور هر پنج مؤلفه روند کاهشی داشته است. به روایت گزارش طرح شاخص مدیران خرید برای خرداد سال ۱۴۰۴، «شاخص میزان تولید محصول یا ارائه خدمات» معادل ۴۵.۵ محاسبه شده است. مقدار این شاخص برای پانزدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی یعنی ۵۰ قرار گرفته و شدت کاهش در مقایسه با ماه قبل بیشتر بوده است. دومین مؤلفه «میزان سفارش‌های جدید مشتریان» بوده که با کسب نمره ۳۸.۵ در این ماه با سریع‌ترین سرعت در ۶۳‌ماهه گذشته از فروردین ۱۳۹۹ کاهش یافته است. مؤلفه سوم در خرداد سال جاری، یعنی «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده» نیز با کسب نمره ۴۶ از سسوی مدیران خرید برای پانزدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است. شدت کاهشی که در مقایسه با ماه قبل بیشتر بوده است.

عامل دیگر که «شامخ میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» بوده هم در این ماه به‌شدت افت داشته و برای هشتمین ماه متوالی کاهشی بوده است. این کاهش آن چنان بوده است که این مؤلفه نیز با نمره ۴۳، دومین کمترین مقدار خود را در سری زمانی ترنسسنجی –یعنی پس از مهرماه ۱۳۹۷– به ثبت رسانده است. در نهایت، مؤلفه پنجم یعنی «سرعت انجام و تحویل سفارش» نیز در این ماه با نمره ۴۵.۶ روند کاهشی در مقایسه با ماه قبل داشته و موجب شده است تا هر پنج مؤلفه اصلی با افول خود وضعیت نامطلوبی را در اقی پیش‌روی اقتصاد کشور تصویر کنند.

خطر تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی

بخش صنعت نیز مانند کل اقتصاد کشور در هر پنج مؤلفه اصلی خود روندی کاهشی در ماه خرداد پیموده است. تداوم و تشدید مشکلات بخش صنعت ازجمله قطعی برق، چالش در حوزه تأمین مواد اولیه به علت مشکلات کمربکی با مالی یا تأخیر در تخصیص ارز، افزایش ریسک‌ها و نااطمینانی‌های ناشی از شروع جنگ و به تبع آن تشدید تقاضای محدود مشتریان، این بسیاری را در صنایع تأثیر منفی گذاشته است. گزارش بی‌بی‌سی می‌کند که این وضعیت احتمالا در تیرماه نیز تکرار و حتی بدتر خواهد شد و در نتیجه لازم است که دولت به مسئله ورود کند. براساس این گزارش، بررسی این شاخص در زیربخش‌های مختلف بخش صنعت هم نشان می‌دهد که از ۱۲ بین رشته فعالیت صنعتی، از ۱۱ رشته فعالیت صنعتی، شاخص کمتر از ۵۰ بوده و این مسئله حاکی از آن است که کاهش تولید در این ماه به‌عنوان یک مسئله فراگیر در بخش صنعت است. همچنین برخی از واحدهای صنعتی همچنان انتظارات منفی درباره تولید در تیرماه دارند و برخی صنایع تداوم در کاهش تولید را پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین کاهش شاخص تولید صنعتی در ماه‌های آینده دور از انتظار نخواهد بود.

نتایج این شاخص‌ها گویای این واقعیت است که علاوه بر مشکلات موجود در دو سوی عرضه و تقاضا، فضای کلی صنعت و اقتصاد نیز با نااطمینانی‌های فزاینده‌ای مواجه است. ریسک‌های ژئوپلیتیک، نبود دورنمای شفاف در سیاست‌های ارزی و بی‌ثباتی تصمیم‌گیری در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی، همگی موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و افزایش تردید در میان تولیدکنندگان و صادرکنندگان شده‌اند. این گزارش بیان می‌کند که موضوع نیازمند توجه بیشتر دولت به دلایل کاهش سرمایه‌گذاری واقعی در دهه اخیر است و بدتر اینکه این نظر-سنجی‌ها با داده‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ایران همخوانی دارد.

گزارش شامخ در انتها نیز هشدار داده که در صورت اصلاح‌نشدن شرایط کنونی یا نبود توجه ویژه به آن، در تداوم این روند با رکود عمیق‌تر و تعطیلی یا کاهش شدید تولید برخی از بنگاه‌ها در ماه‌های آینده مواجه خواهیم شد.

شاخص‌های آماری مختلف از وضعیت شکننده تولید خبر می‌دهند

صنایع در مخمصه



تولید

نقدینگی اعلام کرده است، فاصله دارد.

او می‌گوید: «اگر چه به شکل سنتی این دیدگاه وجود دارد که نجات اشتغال مهم‌تر از مهار تورم است، اما من موافق این نیستم که بانک مرکزی با تغییر سیاست مجبور شود بیش از امروز پول چاپ کند و به تورم دامن بزند تا از بنگاه‌ها حمایت کند. هرچند همین امروز و بدون تغییر سیاست‌ها هم وضعیت دولت به‌گونه‌ای است که بانک مرکزی پول چاپ خواهد کرد. اگر شرایط فقط گاهی و در برهه‌ای اضطراری باشد، می‌توان گفت بانک مرکزی –که نباید در بازارها مداخله کند– کوتاه‌مدت دخالتی کند تا با راه‌حلی جلوی تعمیق مشکل را بگیرد، مثل کاری که بانک‌های مرکزی دنیا زمان کرونا کردند یا کاری که بانک مرکزی آمریکا در سال ۲۰۰۸ از طریق چاپ اوراق انجام داد. اما درباره ما یک برهه اضطراری وجود ندارد، ما همواره در بحران هستیم. بنابراین ما دنبال یک راه‌حل موقت نیستیم، این برای ما تبدیل شده به یک رویه».

به گفته این کارشناس، منابع مالی کشور محدود است و کشور نیاز به ورود سرمایه‌های بانک مرکزی، بلکه شرایط فعلی که سیاست خارجی دچار مشکلات عدیده است، بسیار دشوار است. بنابراین به‌جای فشار برای تغییر سیاست‌های بانک مرکزی و مداخله، بهتر است موانع ورود سرمایه را از بین ببریم.

نیاز به سرمایه‌گذاری واقعی و ورود بخش خصوصی داریم نه مداخله دولت

وحد شقاقی شهری، دیگر اقتصاددان نیز معتقد است که رکود ایجادشده دیگر با راه‌حل‌های موقتی و سطحی قابل حل نیست و وقت تغییر ریل اساسی اقتصاد رسیده است.

او به «شرق» می‌گوید دولت باید تن به تغییر ریل حکمرانی اقتصادی بدهد، به‌طوری‌که رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، بهبود محیط خصوصی‌کار، مقررات‌زدایی و هدایت اعتبارات به سمت بخش خصوصی، سرلوحه سیاست‌های دولت و کشور باشد. به باور او چنانچه اصلاحات رخ دهد، قطعا منابع زیادی در داخل و سرمایه ایرانیان خارج کشور وجود دارد که می‌تواند تنگنای منابع مالی را برای بخش تولید برطرف کند.

شقاقی شهری مسیر نجات صنایع و بنگاه‌های تولیدی را نه حمایت‌های دولتی و سیاست‌های بانک مرکزی، بلکه افزایش سهم بخش خصوصی از اقتصاد می‌داند. این کارشناس توضیح می‌دهد: «اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته به دلیل سیاست‌های غلط اقتصادی ازجمله قیمت‌گذاری دستوری و رویکردهای غوام‌فریبانه دیگر در کنار تحریم‌های اقتصادی مستمر، با افت سرمایه‌گذاری و تشدید فرسودگی زیرساخت‌ها و استهلاک شدید منابع در دهه ۹۰ مواجه شد و دهه ۹۰ با تورم حدود ۲۷ درصد و رشد اقتصادی زیر یک درصد در شرایط رکود توری می‌شراه شد. تداوم شرایط نااطمینانی و بی‌ثباتی و نیز تداوم سرکوب سرمایه‌گذاری موجب شد در سال‌های اخیر ناترازی‌های اقتصاد کلان به شرایط بحرانی برسد و تازه نوک قلع هخ از آب درآمده و بحران‌های آب و برق و گاز تازه خود را عیان کرده‌اند و جالب اینکه هیچ مسئول و وزیر دولت‌های گذشته نیز پاسخ‌گوی چنین شرایطی نیستند».

او با بیان اینکه دهه پیش‌رو شاید یکی از سخت‌ترین دهه‌های اقتصاد ایران در صد سال اخیر باشد، چون برخی بحران‌های اقتصادی نظیر بحران آب و برق و گاز تازه شروع و عیان شده‌اند و برخی دیگر همچون بحران صندوق‌های بازنشستگی و پیری جمعیت نیز پیش‌رو هستند، ادامه می‌دهد: «در چنین شرایطی دولت‌ها نیز درگیر روزمرگی شد و از اتخاذ تصمیمات سخت برای تغییر ریل حکمرانی اقتصادی طفره رفت‌اند. بدیهی است که تداوم و تشدید بحران‌های اقتصادی در کنار شرایط ریسک فزاینده سیاسی و اقتصادی و اخیرا نظامی، به شرایط رکودی عجیب و غریبی در کشور منجر شده که شاخص‌های شامخ منتشره نیز بخشی از این حجم گسترده رکود صنعت را به تصویر می‌کشند. بنابراین معتقدم جز با تن‌دادن به اصلاحات ساختاری و نهادی سخت و بدون تغییر ریل حکمرانی اقتصادی و سیاسی شرایط بهبودی اندک نخواهد داشت و بلکه بدتر خواهد شد».

به گفته این اقتصاددان، «چاره‌ای جز سپردن اقتصاد به بخش خصوصی واقعی نیست و با سیاست‌های غلط اقتصادی گذشته بالاخص قیمت‌گذاری‌های دستوری و مداخله‌های متعدد، نمی‌توان اقتصاد و بحران‌های متعدد و فزاینده را سامان داد. کشور باید به‌سرعت از اقتصاد رانتی و غیررقابتی خارج شود و شبه‌دولتی‌ها را به بخش خصوصی واقعی واگذار کند و نهادهای مرکزی بدون در نظر گرفتن وضعیت بنگاه‌های تولیدی، ممکن است وضعیت را از امروز بغرنج‌تر کند. آنها باید دارند اگرچه هدف کنترل تورم قابل درک است، اما نبود دسترسی به منابع مالی و نرخ بهره بالا عملا فرصت بازیابی را از واحدهای صنعتی سلب کرده و توان سرمایه‌گذاری و گردش تولید را به‌شدت محدود کرده است.

محمدنقی فیاضی، اقتصاددان، به «شرق» توضیح می‌دهد در ایران که با تورم بلندمدت ۵۰، ۴۰درصدی مواجه هستیم، نباید به بانک مرکزی فشار آورد و از او بخواهیم سیاست‌هایش را اصلاح کند؛ چراکه حتی همین امروز هم با اهدافی که برای تورم و رشد

بخش خصوصی نیست».

یادداشت

همیشه تقصیر این ۶درصد است

از طرفی در تمام این مدت، تقریبا همه کارشناسان، دست‌اندرکاران، مدیران و مسئولان رده‌بالای کشور از موضوع بحران آب در کشور اطلاع داشتند و این اطلاع و آگاهی چیز جدیدی نیست و البته همیشه هم تا زمان رسیدن به بحران شهری، مثل آنچه امروز با آن روبه‌رو هستیم، بلافاصله از مردم خواسته شده که صرفه‌جویی کنند. نمونه‌اش وضعیتی که حدود سه سال پیش برای شهر همدان رخ داد که بسیار شبیه آن چیزی است که امروز در تهران در جریان است و آن روز هم از اهالی همدان خواستند در مصرف آب صرفه‌جویی کنند و بعد هم آبفا همدان نیز مانند آبفاي تهران از پنجشنبه‌ای که گذشت، آب استخرهای تهران قطع می‌شود، همین کار را کردند. بنابراین ماجرا آن‌قدر تکراری است که دیگر گفتن ندارد. اما آن چیزی که گفتن دارد، این است که مگر در تمام این مدت گفته نشده که بیش از ۹۰ درصد آب شیرین کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود؟ پس چرا هیچ‌وقت از این میزان مصرف حتی درصدي کاسته نشده و چرا همیشه از آن مصرف‌کنندگان شش‌درصدي خواسته می‌شود صرفه‌جویی کنند؟ و از آن بسیار مهم‌تر، مگر در تمام این ۴۶ سال از هدررفت آب در لوله‌های انتقال تا محل مصرف به میزان حدود ۳۰ درصد گفته نشده؟ خوب، گزارش عملیات برای کاستن از این میزان هدررفت کجاست؟ چطور می‌شود که بالای ۹۰ درصد در همه این دهه‌ها مصرف بخش کشاورزی باشد و هیچ‌وقت هم از این مقدار کاسته نشود و به مثلاً ۸۰ درصد مصرف در این بخش نرسیم؟ و در همین مصرف شهری که همیشه می‌گویم صرفه‌جویی کنید، از همین میزان شش درصد، ۳۰ درصدش که هدررفت آب است، همیشه و در تمام این سال‌ها از فاجعه گفته شده که تنها راه نجات کشور از فاجعه بی‌آبی، تغییر الگوی شست و آبیاری است. همین ثابت‌ماندن ۹۰درصدي مصرف آب در حوزه کشاورزی نشان می‌دهد که کار درخور اشاره‌ای در این زمینه انجام نشده یا اگر هم شده، آب صرفه‌جویی‌شده دوباره در همان حوزه کشاورزی مصرف شده است، برای نوشتن این یادداشت، دوستانی برابم مستدانی فرستادند، مثلاً از جاری‌کردن آب در رودخانه خشک شهرستان قم در اردیبهشت ۱۴۰۱، یعنی همان رودخانه‌ای که قرن‌هاست خشک است و انتقال آب به مناطق بیابانی که هیچ‌وقت منطقه کشاورزی نبوده است، حقیقت این است که با وجود حمله به بخش صنایع که فقط دو تا سه درصد آب شیرین کشور را مصرف می‌کند، یا اتهام‌زنی به مردم شهرها که آب زیاد مصرف می‌کنند، آنجا که در همه این سال‌ها متهم بوده و هست، بخش کشاورزی و مسئولانی است که آب را به این بخش (مثل آب‌رسانی برای کشاورزی در بیابان) اختصاص داده‌اند و الگوی کشت را تغییر نداده‌اند و نهایتا یک راه‌حل بیشتر وجود ندارد و آن تغییر نگاه مدیریتی در حوزه آب در کشور است. اما آیا در حوزه‌ای که مناهفی بزرگ برای عدای در جریان است، از ظرفی همان افراد که از این وضع نفق می‌برند، تفری حاصل خواهد شد؟ و آیا ممکن است با همین دست‌فرمان، اصلاحی حتی اندک حاصل شود؟

تصمیم بزرگ در سایه تهدید بزرگ‌تر

پس چه باید کرد؟ نخست، واقعیت را با جامعه‌ه در میان بگذاریم. مردم ایران کرچه از جنگ خسته‌اند، درعین‌حال حاضر نیستند غرور ملی خود را فدا کنند. راه‌حل در تسلیم، بلکه در شجاعت برای این تصمیم بزرگ، جامع، شفاف و مسئولانه است. تصمیمی که البته بدون اجماع ملی و نخکائی ممکن نیست، فضای سیاسی کشور باید از انجماد خارج شود. اعتماد به عقلانیت جمعی باید بر تصمیمات چیره شود. شاید فرصت بسیار اندک باشد، اما هنوز می‌توان با عقلانیت، انسجام و پذیرش مسئولیت، کشور را از یک مسیر پرهزینه نجات داد. ما در میدان نبرد کلاسیک شکست نخورده‌ایم. اما در یک جنگ فرسایشی چندلایه ترکیبی گرفتار شد‌ایم. پاسخ به این تهدید، در بازتنظیم سیاست ملی، پذیرش واقعیت‌های جهانی و اولویت‌دادن به «منافع مردم»، نه مصلحت بی‌روبرکاسی قدرت است. ایران، بیش از آنکه یک پرونده هسته‌ای باشد، یک سرزمین تاریخی با سرمایه انسانی، تمدنی و فرهنگی غنی است. ما هنوز می‌توانیم بحران را به نقطه عطف تبدیل کنیم؛ اگر به جای عجب‌اندک و تعارف، به تصمیم و تدبیر تن دهیم. در این مسیر شاید فقدان چهره‌هایی مانند آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی حس شود. اما بیش از چهره‌ها، به یک عقلانیت مؤثر، مسئولیت‌پذیر و شجاع نیاز داریم. هنوز دیر نشده، اما زمان به‌سرعت در حال پایان‌یافتن است. ما در لحظه‌ای هستیم که تصمیم‌گرفتن سخت‌تر از همیشه است، اما نداشتن تصمیم، قطعا گران‌تر تمام خواهد شد.